حادثه‌ها

عامل اصلی قتل ۴ زن کرمانشاهی دستگیر شد

● مسئول روابط‌عمومی دادسرای عمومی و انقلاب استان کرمانشاه، از دستگیری عامل اصلی قتل چهار زن کرمانشاهی که زمستان ۹۶ در «باغ فردوس» این شهر به قتل رسیده بودند، خبر داد. مهدی قنادی با اشاره به وقوع این حادثه در آرامستان کرمانشاه در ۲۲ دی سال ۹۶، اظهار کرد: مقتولان این حادثه به ضرب گلوله سرنشینان یک دستگاه خودروی پراید به قتل رسیدند. او ادامه داد: بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب کرمانشاه پس از وصول گزارش این واقعه جنایی در محل حاضر شد و پرونده را به صورت ویژه در دستور کار قرار داد.

مسئول روابط‌عمومی دادسرای عمومی و انقلاب کرمانشاه عنوان کرد: پس از دستگیری دو نفر از متهمان، تلاش برای شناسایی عامل اصلی واقعه مجرمانه با جدیت دنبال شد. او تأکید کرد: با رصدهای قضائی و پیگیری‌های ویژه بازپرس ویژه قتل دیروز متهم اصلی این جنایت در تهران دستگیر شد. قنادی افزود: تلاش ضابطان دستگاه قضائی برای شناسایی سایر عوامل مرتبط کماکان ادامه دارد. علت این حادثه اختلافات خانوادگی عنوان شده است.

انهدام باند سرقت‌های مسلحانه

● فرمانده انتظامی سیستان‌وبلوچستان از انهدام باند شش نفره سرقت‌های مسلحانه در خاش خبر داد. سردار محمد قنبری گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت مسلحانه و همچنین تیراندازی به‌سمت خودروهای عبوری در محور خاش-ایرانشهر و خاش-سراوان مراتب به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت.

او افزود: با توجه به اهمیت موضوع اقدامات فنی و تحقیقات میدانی ازسوی کارآگاهان پلیس آغاز شد و با اشراف اطلاعاتی و با تلاش‌های شبانه‌روزی، محل اختفای سرباند سرقت‌های مسلحانه به هویت مشخص که در سرقت‌های مسلحانه و آدم‌ربایی مشارکت دارد، شناسایی شد. قنبری تصریح کرد: مأموران پس از هماهنگی با مقام قضائی و اطلاع از حضور سارقان به محل مورد نظر عزیمت کردند و در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه متهم اصلی را به‌همراه پنج نفر از همدستانش دستگیر کردند.

سقوط مرگ‌بار کارگر جوان از طبقه ششم ساختمان

● سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت: کارگر جوان بر اثر سقوط از ارتفاع در یک پروژه کارگاهی جان باخت. سیدجلال ملکی توضیح داد: ساعت ۱۵:۰۶ سه‌شنبه حادثه سقوط فرد از ارتفاع در مسیر جنوب به شمال بزرگراه یادگار امام، بالاتر از خیابان آزادی به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که آتش‌نشانان دو ایستگاه آتش‌نشانی به‌سرعت به محل حادثه اعزام شدند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تهران ادامه داد: محل حادثه یک پروژه کارگاهی در حال اسکلت‌کاری بود که تقریبا اسکلت در شش طبقه (سه طبقه روی زمین و سه طبقه در عمق زمین) جوشکاری شده بود و کارگران در ارتفاع بالا مشغول کار بودند. او خاطرنشان کرد: یکی از کارگران ناگهان از اسکلت‌های طبقه سوم به عمق طبقه منفی سه سقوط کرده که پس از معاینات لازم ازسوی عوامل اورژانس مشخص شد او براثر شدت جراحات وارده جان باخته است. ملکی با بیان اینکه علت این حادثه در دست بررسی است، تصریح کرد: شاهدان عینی اعلام کردند به‌علت برخورد یکی از ستون‌ها که در حال حمل و جوشکاری بود، این حادثه اتفاق افتاده است.

دستگیری فروشندگان دلارهای جعلی

● افرادی که ۱۳۵هزار دلار جعلی به ارزش هشت‌میلیارد ریال را فروخته بودند، دستگیر شدند. سرهنگ عباس‌علی ابراهیمی، رئیس کلانتری ۱۰۱ تجریش، گفت: در پی شکایت یکی از شهروندان مبنی بر فروش دلارهای جعلی ازسوی فردی در محدوده خیابان الهیه، شناسایی و دستگیری متهم و همدستانش در دستور کار قرار گرفت. او با بیان اینکه شاکی در اظهارات خود عنوان کرد متهم ۱۳۵هزار دلار جعلی به ارزش هشت‌میلیارد ریال را به او فروخته است، ادامه داد: در تحقیقات پلیسی، مشخص شد متهم با دو همدستش مجتمعی تجاری تهیه کرده و اقدام به فروش دلارهای جعلی به مال‌باختگان می‌کند. او افزود: با هماهنگی مقام قضائی، مأموران موفق شدند متهم و دو همدستش را دستگیر کنند و در بازرسی صورت‌گرفته از دفتر تجاری، تعدادی دلار جعلی را که آنها برای فروش تهیه کرده بودند، کشف کنند. سرهنگ ابراهیمی گفت: برای شناسایی مال‌باختگان و کشف سایر جرائم مشابه، هر سه متهم در اختیار پایگاه یکم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

اعترافات پسری که پدرش را آتش زد

شرق: پسری که پدرش را به آتش کشیده و به قتل رسانده، اعتراف کرد به‌علت گرفتن کارت عابربانک دست به این کار زده است.

به گزارش خبرنگار ما، روز چهارم ماه جاری وقوع آتش‌سوزی در خانه‌ای مسکونی در خیابان فلاح به کلانتری یافت‌آباد اعلام شد و با حضور مأموران کلانتری در محل مشخص شد مردی ۵۰ ساله از ناحیه صورت و گردن دچار آتش‌سوزی شدید شده است. این فرد بلافاصله ضمن هماهنگی با اورژانس، به بیمارستان منتقل شد. خانواده فرد مصدوم در اظهارات اولیه خود مدعی بودند که او هنگام تعمیر موتورسیکلت در حال کشیدن سیگار بود و هم‌زمان با آن قطعات موتورسیکلت را با بنزین تمیز می‌کرد که همین امر باعث وقوع آتش‌سوزی شد. خانواده فرد مصدوم در شرایطی مدعی بودند آتش‌سوزی صرفا حادثه غیرعمد بوده که فرد مصدوم در بیمارستان به مأموران اعلام کرد پسرش به نام رامین او را به آتش کشیده است. مأموران که قصد داشتند از رامین تحقیق کنند، مطلع شدند او هم‌زمان با وقوع حادثه آتش‌سوزی متواری شده است. سرانجام روز جمعه هفته پیش مأموران اطلاع پیدا کردند مرد مصدوم به‌علت شدت سوختگی و با وجود انجام اقدامات درمانی فوت شده است. به‌این‌ترتیب، پرونده‌ای با موضوع «قتل عمد» تشکیل شد و برای ادامه تحقیقات در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. کارآگاهان ابتدا به تحقیق از اعضای خانواده رامین پرداختند و ضمن ارائه مشاوره، از آنها برای همکاری با پلیس دعوت کردند. در نهایت ساعت ۱۸ روز سه‌شنبه هفته جاری رامین با مراجعه به اداره دهم پلیس آگاهی خودش را به پلیس تسلیم

کرد. رامین در اظهاراتش با اعتراف صریح به آتش‌زدن پدر خود، به کارآگاهان گفت: از مدتی قبل با شراکت پدرم مغازه موتورسازی راه انداختیم و در کنار آن موتورسیکلت نیز خریدوفروش می‌کردیم. در این مدت درآمدمان به حسابی واریز می‌شد که کارت عابربانک آن نزد پدرم بود. روز حادثه از پدرم درخواست کارت عابربانک را کردم تا مقداری پول از حساب برداشت کنم، اما پدرم از دادن کارت خودداری کرد. درحالی‌که بسیار عصبانی شده بودم به حیاط رفتم، از باک موتور مقداری بنزین کشیدم، به داخل خانه برگشتم و بی‌هیچ صحبتی بنزین را روی پدرم ریختم و با زدن فندک او را به آتش کشیدم. دراین‌مدت نیز در خانه دوستان خود زندگی می‌کردم تا اینکه تصمیم گرفتم خودم را به پلیس تسلیم کنم. سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: متهم پرونده ضمن هماهنگی با بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران و با صدور قرار بازداشت موقت، برای ادامه تحقیقات در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است. این متهم روز گذشته در دادسرای جنایی تهران به خبرنگار ما گفت: قصد قتل پدرم را نداشتم. درست است که من با او اختلاف داشتم اما اصلا نمی‌خواستم او را بکشم. حتی به این کار هم فکر نکرده بودم. روز حادثه هوا بارانی بود. من موتور یکی از دوستانم را قرض گرفته بودم و می‌خواستم جایی بروم. موتور بنزین نداشت و از پدرم خواهش کردم تا من کار دیگری را انجام می‌دهم او داخل باک موتور بنزین بریزد اما قبول نکرد و مجبور شدم خودم این کار را بکنم. چون عجله داشتم پایم روی لیوانی که آنجا بود رفت و به‌طور ناخواسته بنزین روی پدرم ریخت. بعد او با من پرخاش کرد، بعد هم مثل خیلی از اوقات شروع به تمسخر من کرد برای همین عصبانی شدم و خواستم سربه‌سر او بگذارم، فندک برداشتم تا او را بترسانم که ناگهان بنزینی که روی او ریخته بود، آتش گرفت. وقتی این اتفاق افتاد، من که ترسیده بودم فرار کردم. بعد که فهمیدم شرایط چطور است خواستم به ملاقات او بیایم اما گفتند عمه‌هایم آنجا هستند و ممکن است ماجرائی ناخوشایند پیش بیاید برای همین به بیمارستان نرفتم، بعد از آنکه پدرم فوت شد دیدم نمی‌توانم با موضوع کنار بیایم و خودم را معرفی کردم.

گره ۸ساله در پرونده قتل زن جوان

شرق: مرد افغانستانی که متهم است زن ایرانی را به قتل رسانده، هشت سال پس از بازداشت و با وجود برگزاری مراسم قسامه یک بار دیگر پای میز محاکمه رفت. به گزارش خبرنگار ما، شهریور سال ۸۹ به مأموران پلیس خبر دادند جسد زنی جوان در خیابان رها شده است. با حضور مأموران در محل و انجام تحقیقات گسترده مشخص شد این زن با طناب خفه شده و وسایلش را کنار جسدش رها کرده‌اند.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی و آغاز تحقیقات هویت زن جوان مشخص و معلوم شد جسد متعلق به رکسانا ۳۲ساله است که در تهران تنها زندگی می‌کرد و از مدتی قبل به شیشه اعتیاد پیدا کرده بود و با مردان غریبه رابطه داشت. پلیس وقتی نشانی خانه زن تنها را یافت، متوجه شد خودرویی از چند روز قبل مقابل خانه این زن پارک کرده و کسی سراغ آن نیامده است. صاحب ماشین از روی پلاک خودرو شناسایی شد. مرد جوان گفت رکسانا را می‌شناخت و چند بار با او شیشه مصرف کرده بود اما نمی‌داند چرا این زن کشته شده است. پلیس در تحقیقات بعدی چند مظنون دیگر را بازداشت کرد اما به نتیجه مطلوب نرسید تا اینکه دریافت قبل از پیداشدن جنازه زن جوان از موبایل یک مرد جوان به نام محمد بیش از ۳۰ بار با گوشی موبایل این زن تماس گرفته شده است. با این سرنخ محمد ۳۷ساله بازداشت شد اما منکر قتل زن تنها شد و ادعا کرد دو دوستش به نام‌های گل‌آقا و عزیز در زمینه مصرف مواد مخدر با رکسانا در ارتباط بوده‌اند و به همین خاطر چندین‌بار از گوشی موبایل وی به رکسانا زنگ زده و او را کشته‌اند. با این ادعا ردیابی متهمان آغاز شد اما ردی از آنها به دست نیامد و محمد ادعا کرد آنها به افغانستان گریخته‌اند. درحالی‌که اولیای دم شناسایی نشده بودند، مدارکی علیه محمد به دست آمد و وی در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری سابق استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و به درخواست دادستان به قصاص محکوم شد.اما این حکم در دیوان عالی کشور تأیید نشد و دیوان عالی کشور اعلام کرد باید تحقیقات بیشتری برای شناسایی اولیای دم انجام شود؛ ضمن اینکه دو متهم فراری هم باید دستگیر شوند و مورد بازجویی قرار بگیرند. پرونده برای بررسی مجدد به دادگاه ارسال شده بود که زنی به دادگاه مراجعه کرد و مدعی شد مادر رکساناست. وی گفت: من، همسر و پسرم در شرق کشور زندگی می‌کنیم. رکسانا ۱۰ سال قبل ازدواج کرد و به تهران آمد اما یک سال بعد وقتی به خانه ما آمد، گفت از همسرش جدا شده است. از او خواستم برای زندگی پیش ما بماند اما قبول نکرد و سرخود به تهران برگشت. به همین خاطر من در این مدت هیچ خبری از او نداشتم. تا اینکه از اداره ثبت احوال با پسرم تماس گرفتند و گفتند رکسانا چند سال قبل در تهران کشته شده است.

حالا من حاضر به گذشت هستم و از قاتل دخترم فقط دیه می‌خواهم. این زن عکسی را به دادگاه ارائه داد و مدعی شد این عکس خودش و دخترش رکساناست. بررسی عکس ارائه‌شده از سوی زن سالخورده نشان داد رکسانا دختر اوست. به‌این‌ترتیب پرونده در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران تحت رسیدگی قرار گرفت. پدر و مادر رکسانا درخواست دیه را مطرح کردند. سپس محمد به دفاع پرداخت و گفت: باور کنید من زن جوان را نکشتم. دوستانم از موبایل من بارها با او تماس گرفته بودند و به همین خاطر من دستگیر شدم. در پایان جلسه قضات دادگاه پرونده را لوث تشخیص داده و حکم به برگزاری مراسم قسامه دادند. چون اولیای دم نتوانستند ۵۰ نفر از بستگان نسبی خود را به دادگاه معرفی کنند، قسم را به متهم واگذار کردند. به‌این‌ترتیب محمد ۵۰ بار سوگند بی‌گناهی یاد کرد و از اتهام مشارکت در قتل عمدی تبرئه شد. در پایان جلسه قضات دادگاه حکم پرداخت دیه از صندوق بیت‌المال به اولیای دم صادر کردند. این حکم نیز در دیوان عالی کشور تأیید نشد. قضات دیوان عالی کشور اعلام کردند چون به احتمال زیاد قتل از سوی سه متهم و به صورت مشارکتی رخ داده است باید دو متهم فراری نیز شناسایی و دستگیر شوند و سپس مراسم قسامه اجرا شود. هرچند تلاش برای پیداکردن دو متهم دیگر از سوی پلیس انجام شد اما به نتیجه نرسید تا اینکه روز گذشته متهم یک بار دیگر پای میز محاکمه رفت و گفت: دوستانم از ایران فرار کرده‌اند و من خبری از آنها ندارم؛ هشت سال است بی‌دلیل در زندان هستم و درخواست کمک دارم. با پایان جلسه رسیدگی قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

انتقام‌گیری آتشین خواستگار شکست‌خورده

شرق: پسر جوانی که با انگیزه انتقام‌گیری اقدام به آتش‌افروزی کرده بود، در ساعات اولیه پس از شروع تحقیقات پلیس دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، شامگاه سه‌شنبه یک مورد آتش‌سوزی به مرکز ۱۲۵ تهران اعلام شد و دقایقی بعد امدادگران نزدیک‌ترین ایستگاه آتش‌نشانی تهران در محل حاضر و با یک خودروی آتش‌گرفته روبه‌رو شدند. آتش‌نشانان پس از اطفای حریق به نشانه‌هایی از عمدی‌بودن آن برخوردند. بنابراین مأموران پلیس در جریان ماجرا قرار گرفتند و ساعتی پس از آن مأموران اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. مأموران پلیس بررسی دوربین‌های مداربسته و شنیدن اظهارات شاهدان احتمالی را در دستور کار قرار دادند. این در حالی بود که شنیدن اظهارات شاکی پرونده کلید احتمالی حل معما را به مأموران پلیس داد، اما مأموران برای پایین‌آمدن احتمال خطا و نتیجه‌گیری بهتر، تحقیقات را در شاخه‌های دیگر نیز ادامه دادند. مالک خودرو که مرد میان‌سالی بود، به مأموران گفت: مدتی قبل پسر جوانی برای خواستگاری دخترم به خانه ما آمد، اما پس از مدتی با توجه به شرایط و وضع او ما جواب منفی دادیم. با توجه به شناخت کمی که از آن پسر دارم، احتمال می‌دهم آتش‌افروزی کار او باشد.

به‌این‌ترتیب مأموران با به‌دست‌آوردن آدرس محل سکونت پسر جوان، برای تحقیق از او به خانه‌اش رفتند، اما خانواده‌اش گفتند در خانه حضور ندارد. غیبت این پسر فرضیه فرار او را تقویت کرد و پس از آن مأموران تمرکز بیشتری روی خواستگار داشتند تا اینکه در نهایت او را در مخفیگاه خود شناسایی و دستگیر کردند. پسر جوان در بازجویی‌های اولیه به آتش‌افروزی اعتراف کرد و گفت: وقتی به خواستگاری من جواب منفی دادند، با انگیزه انتقام‌گیری این کار را کردم.

بنا بر این گزارش، متهم درحال‌حاضر در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

پنج قاره

عملیات گسترده پلیس آلمان علیه باند قاچاق انسان

● پلیس فدرال آلمان در راستای مقابله با باندهای قاچاق انسان، اقدام به تفتیش تعدادی از منازل و دفاتر مشکوک کرد. حدود ۸۰۰ نفر از نیروهای ویژه پلیس آلمان در این عملیات شرکت داشتند و عده‌ای در همین رابطه دستگیر شده‌اند. عملیات بزرگ تفتیش منازل و دفاتر از غروب روز دوشنبه در چند ایالت آلمان و از جمله در ایالت هامبورگ، برمن، نیدرساکسن و ساکسن‌انهالت آغاز شده است. سخنگوی پلیس اعلام کرده است که در جریان این عملیات، ۲۱ دستور تفتیش و بازرسی به اجرا گذاشته شده است. در شهر هامبورگ دو شهروند آلمانی و یک فرد روس‌تبار به‌عنوان متهمان اصلی قاچاق انسان بازداشت شده‌اند. تحقیقات در مورد پرونده این افراد ادامه دارد. افراد این باند که در شمار شهروندان کشورهای آلمان، اوکراین و روسیه هستند، متهم شده‌اند که نه‌تنها امکان سفر شهروندان مولداوی به آلمان را فراهم کرده، بلکه اقامت غیرقانونی آنها در آلمان را نیز ممکن کرده‌اند. این افراد به طور غیرقانونی در آلمان و از جمله در بخش‌های امنیتی کار می‌کرده‌اند. اکثر این مهاجران غیرقانونی صاحب پاسپورت‌های تقلبی کشور رومانی بودند. شهروندان کشور رومانی که یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به شمار می‌آید، در قیاس با شهروندان مولداوی که عضو اتحادیه اروپا نیستند، از مزایای بیشتری برای اقامت و کار در آلمان برخوردارند. سخنگوی پلیس فدرال آلمان اعلام کرده است که در جریان تفتیش منازل و دفاتر در ایالت‌های یادشده، مبالغ هنگفتی پول نقد، کارت‌های شناسایی جعلی و مقداری طلا کشف و ضبط شده است. افزون‌برآن مأموران پلیس آلمان در این عملیات موفق شده‌اند مقداری داروی بیهوشی غیرقانونی، یک پنجه‌بوکس، یک باتوم برقی و مقداری فشنگ ۹ میلی‌متری به دست آورند. بنابر گزارش دویچه‌وله، از آنجا که پلیس فدرال آلمان از گرایش‌های خشونت‌گرایانه و حتی امکان مسلح‌بودن این افراد آگاه بوده، از نیروهای ویژه برای انجام این عملیات استفاده کرده است.

نوجوان آمریکایی پیش از اهدای اعضای بدنش از کما خارج شد

● یک پسر ۱۳ ساله در ایالت آلاباما که در کما بود، پس از اینکه پدر و مادرش فرم اهدای اعضای بدنش را امضا کردند، هوشیاری خود را بازیافت. «ترنتون مک‌کینلی» در ماه مارس در تصادف رانندگی دچار ضربه مغزی شدیدی شده بود و هفت جای جمجمه‌اش شکسته بود. پزشکان به پدر و مادر این نوجوان ۱۳ ساله گفته بودند که او خوب نخواهد شد و اعضای بدن او قابلیت پیوندزدن به پنج کودکی را دارند که به پیوند عضو نیاز دارند. یک روز پیش از آنکه دستگاه تنفس مصنوعی ترنتون خاموش شود، نشانه‌های هوشیاری در او ظاهر شد.

ادامه از صفحه ۹

کلام و حافظه

نکته برجسته دیگری که در فیلم نشان داده می‌شود تفاوتی است که در بیماری‌های مغزی با ارگان‌های دیگر از نظر برخورد با بیماری وجود دارد. در صحنه‌ای آلیس به شوهرش می‌گوید کاش سرطان گرفته بودم یا جای دیگری به شوهرش می‌گوید بیا امسال سفر برویم شاید این آخرین سالی باشد که من، من هستم!

در اغلب بیماری‌های جسمی افراد خانواده با یکی از بستگان روبه‌رو هستند که مبتلا به یک بیماری شده است، ولی در بیماری‌ای مثل آلزایمر افراد خانواده با فردی روبه‌رو هستند که دیگر خودش نیست و نه‌تنها دیگر آن شخصیتی که برایشان عزیز بوده نیست، بلکه نمی‌دانند اصلا او دیگر کیست. بستگان نمی‌دانند باید چه کنند؟ اگر خود را غرق دیدن فیلم کنید جواب این سؤال را به‌خوبی می‌گیرید. نکته بسیار مهم دیگر حس جریان زندگی در دقیقه‌دقیقه فیلم است. به موازات پیشرفت بیماری آلیس، یکی از دخترانش که ژن بیماری را از مادر گرفته، با روش‌های جدیدی که اجازه نمی‌دهند ژن را به فرزندانش منتقل کند، دوقلو حامله می‌شود. در صحنه دیگری آلیس می‌گوید زمانی که در بچگی متوجه شدم پروانه فقط یک ماه عمر می‌کند ناراحت و گریه‌کنان پیش مادرم رفتم. مادرم گفت این درست است، ولی همان یک ماه را زیبا زندگی می‌کند و بالاخره آخرین لحظه صحنه‌ای است که دختر آلیس از او می‌پرسد آیا متوجه منظورش شده است؟ آلیس که دیگر تمام گنجینه لغاتش را از دست داده، فقط یک کلمه می‌گوید: عشق. بیماری مرحله‌ای از زندگی‌است. اگر عشق به زندگی وجود داشته باشد حتی گذر از مراحل سخت بیماری نیز جزئی از این زندگی است. زندگی در رویارویی با مرگ و سلامتی در رویارویی با بیماری معنا پیدا می‌کند. تنها یک راه برای اینکه اختلال حافظه نداشته باشیم وجود دارد و آن هم این است که هیچ‌وقت حافظه‌ای نداشته باشیم. اگر عمری از به‌خاطرسپردن لذت برده‌ایم باید بدانیم امکان گرفته‌شدن این توانایی نیز وجود دارد. ما باید بدانیم زمانی که عزیزانمان حتی اگر درگیر بیماری‌ای همانند آلزایمر باشند باز هم همان عزیزانی هستند که عمری با آنها زیسته‌ایم. شاید به همین علت نام فیلم نیز «هنوز آلیس» است. دیدن این فیلم برای همه کسانی که به نحوی با بیماران آلزایمر ارتباط دارند، بسیار آموزنده است.